

فضایل و سیره امام رضا (علیه السلام) عالم آل محمد

در آثار استاد علامه حسن زاده آملی مد ظله العالی

نویسنده: عباس عزیزی.

مقدمه

امام رضا نور و نور دهنده است.

امام رضا شفا دهنده است.

امام رضا، عاشق نماز بود، هنگام نماز فقط خدا را می‌دید و می‌فرمود: در سجده بودم که باد (سختی) وزیدن گرفت و هر کس به دنبال پناهگاهی می‌گشت و من همچنان در سجده بر خدایم می‌نالیدم تا هوا آرام شد.

امام رضا علیه السلام به نماز شب عشق می‌ورزید.

امام رضا علیه السلام اکثر شب‌ها تا سحر مشغول دعا و عبادت و راز و نیاز بود و در طول شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند.

امام رضا علیه السلام دعای خود را با صلوات بر پیامبر و آل او شروع نموده و در نماز و غیر آن بسیار صلوات می‌فرستاد.

امام رضا علیه السلام از لحاظ شجاعت و سخاوت بی‌نظیر بود.

امام رضا علیه السلام با رفتار و کردار نیکوی خود، مأمون عباسی را حیرت‌زده نمود. مأمون نتوانست بر امام غلبه کند؛ زیرا امام با اخلاق نمونه‌ای که داشت توانست مردم را جذب کرده و با فضایل اخلاقی‌اش پیروز گردد.

امام رضا علیه السلام از حیث اخلاق نمونه بود، به گونه‌ای که هرگز با کلام خویش کسی را نرنجانید. و سخن کسی را قطع نمی‌کرد تا این که سخن خود را تمام کند و هرگز حاجت کسی را که توان ادای آن را داشت، رد نمی‌کرد.

امام رضا علیه السلام عاشق قرآن بود و هر سه روز یکبار قرآن را ختم

می‌نمود.

امام رضا علیه السلام در بستر بیماری قرآن تلاوت می نمود و هنگامی که به آیه ای می رسید که صحبت دوزخ بود می گریست و آیه های بهشتی را که تلاوت می فرمود از خداوند بهشت را می طلبید و از آتش دوزخ بر خدا پناه می برد.

شیعیان ایرانی باید بسیار شاکر درگاه الهی باشند که مزار حضرت ثامن الحجج، سلطان سریر ارتضاء امام رضا علیه السلام در ایران واقع شده است، خداوند خواست که امام از مدینه هجرت کند و در مشهد غریبانه به شهادت برسد و مزار پاکش زیارتگاه و شفاخانه شیعیان شود و زیارت مزارش که فضیلت و ثواب زیادی دربردارد و در خراسان قرار گیرد.

با تمامی وجود از امام رضا علیه السلام خواهانیم که دستی محبت آمیز بر سر ما بکشد؛ زیرا او کریم اهل بیت است و حتی اگر کسی از درود بر آن حضرت صلوات بفرستد، پاسخ می دهد.

یا امام رضا! امید همه ی شیعیان به شماست.

این شما یید که مرکز برآورده شدن حاجات و نیاز شیعیانید. شما یید که با نگاه ها و دستان پرمهرتان شفا و سلامتی را در جسم و جان مؤمنین وارد می کنید.

یا امام رضا! ما شرمنده ایم که نتوانستیم شیعیان خوبی برای شما باشیم، اما شما کریم و بزرگوارید، پس محبت خودتان را در قلب ما جای دهید.

عباس عزیزی

حوزه علمیه قم

بهار 81

فضایل حضرت امام رضا

مدیحه‌ای در شأن امام

ابن خلکان شافعی اشعری، در تاریخش می‌گوید:

«مأمون، دخترش ام‌حبیب را در سال دویست و دوم (هجری) به عقد ایشان [امام رضا علیه السلام] درآورد و او را ولی‌عهد خویش کرد و نامش را بر دینار، منقوش.

سبب بروز چنین اقدامی از مأمون آن بود که روزی در شهر مرو، اولاد عباس را از زن و مرد و کوچک و بزرگ که تعداد نفرات شان، سی‌هزار نفر بود گرد آورد. علی (بن موسی) را نیز دعوت نمود و در جایی نیکو منزل داد و خواص اولیا را جمع کرد و خبر داد که در اولاد عباس و نیز علی بن ابی‌طالب علیه السلام نظر افکنده‌ام و کسی را بهتر و محق‌تر به امر ولایت، از علی بن موسی الرضا علیه السلام نیافته‌ام.

پس برای ولایت عهدی اش از آنان بیعت گرفت و امر کرد پرچم‌های سیاه را کنار گذاشته، رنگ سبز جای‌گزینش کنند ...

ابونواس در مدح آن امام علیه السلام می‌گوید:

قیل لی انت أحسن الناس طرا فی فنون من المقال النبیه
لک من جید القریض مدیح یثمر الدر فی یدی مجتنبیه
فعلی ماترکت مدح ابن موسی و الخصال التی تجمعن فیه

قلت لا استطیع مدح امام کان جبریل خادما لاییه

سبب آن که ابونواس، این ابیات را سرود، آن بود که بعضی از اصحابش او را گفتند: از تو وقیح تر ندیده ایم، زیرا دربارهی هر معنا و طربی حتی شراب شعر گفته‌ای، ولی در مدح علی بن موسی الرضا علیه السلام که معاصر توست هیچ نگفته‌ای! ابونواس پاسخ داد: به خدا قسم که من این کار را تنها از جهت احترام و تعظیم ایشان ترک گفته‌ام؛ زیرا چون من را شایستگی مدح او نیست! سپس، بعد از ساعتی، اشعار مذکور را سرود.^[1]

ازدواج حضرت رضا با ام‌الفضل

مأمون چون علی‌رغم سن اندک حضرت ابو‌جعفر علیه السلام، فضل و بلوغ ایشان را در علم و حکمت و ادب ملاحظه کرد، به شرف آمد و دریافت که او چنان در عقل، کامل است که احدی از مشایخ آن دوران به پایش نرسد؛ بنابراین، دختر خود، ام‌الفضل را به عقدش درآورد و او را همراه ایشان به سوی مدینه گسیل داشت. و مأمون بسیار بر حضرت، اکرام و تعظیم می‌کرد و قدر و منزلت ایشان را اجلال می‌نمود. [2].

دربانی امام رضا

فخر رازی می‌گوید: «ابو یزید بسطامی افتخار می‌کرد که سقای خانه جعفر بن محمد صادق علیه السلام بود، و معروف کرخی به دست ابوالحسن، علی بن موسی علیه السلام اسلام آورد و تا وقتی که زنده بود، سمت درباری خانه‌ی او را برعهده داشت. [3].

ستایش امامی از امام دیگر

مفید در ارشاد از حضرت ابوالحسن، امام موسی علیه السلام نقل می‌کند که ایشان

فرمود:

«پسرم علی، بزرگترین فرزندانم می‌باشد و او برگزیده‌ترین و محبوب‌ترین آنها

نزد من است. او همراه من در جفر می‌نگرد که کسی این کار را نمی‌کند مگر آن

که پیامبر و یا وصی پیامبری باشد.»^[4]

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند

بعضی از دریانوردان در نزد «معروف» از طوفان و آشوب دریا شکایت کردند، «معروف» به آنان گفت: هرگاه دریا آشوب شد، او را به سر «معروف» سوگند دهید، آرام می‌شود!

به دستور عمل کردند و بهره‌مند شدند.

امام رضا علیه السلام به «معروف» فرمود: «این مقام را از کجا به دست آورده‌ای؟» عرض کرد: مولای من! سری که عمری در آستانه ولایت شما فرود آمده است، او را در نزد خداوند این حد قدر نباید باشد؟! ^[5].

خوشه انگور زهر آگین

مأمون خلیفه باغبانی داشت که باغ انگور او را رونق دادی، و گوش تاک‌ها را به خوش‌های انگور گوشواره‌های لعل نهادی، همیشه امام رضا علیه السلام پیش باغبان رفته، زنهار و الف زنهار این خوشه انگور که در این تاک است مفروش، و ثمن آن را مگیر، که نصیب من خواهد بود، و از آن جا مرا درجات خواهد فرود، که بر او ظاهر بود که در آن خوشه انگور زهر خواهند نهاد، و بخورد وی دهند که آن باعث شهادت و میوه‌ی پر حلاوت او

گردد، و از آن تاک درجات عقبا و پایه‌ی اعلا حاصل نماید، آخر الامر مأمون (علیه اللعنه) بدان انگور پر زهرش به درجه شهادت رساند.^[6]
انگور زهر خورده چه دادی تو با امام میخانه کعبه ساز و وضو از شراب کن

نرم گشتن بندهای آهن

یکی از محبان امام رضا علیه السلام را بعد از شهادت وی حبس نمودند، و زنجیر گران بر گردن و پایش نهادند، و او را در خانه‌ای که حبس نموده بودند آتش زدند، که دایم مناقب امام گفتی، و درهای مدح اولاد رسول سفتی، بعد از امر سوختن خانه چون آن فقیر بی‌گناه از این حال آگاه شد مناجات نمود که یا رب به حق آن امامی که از انگور زهرآلود چهره به باغ شهادت گردآلود کرد، و به حق رضای آن رضا که به تقدیر تو موافق گشته و به داغ دوری فرزندان و مفارقت جان راضی شد، مرا از این بدن گران خلاصی ده، و آتش سوزان را به محبت اولاد خلیل خود بر من گلستان کن، همان دم به کرم مجیب دعوة المضطربین (الدعاء) بندهای آهن چون موم نرم گشت، و از آن آتش بلا به خاک جسم آب محبت زده، چون باد از آن ورطه خلاص شد که به یک سر موی وی مضرت نرسید.^[7]

اخلاق امام

ابن ابی‌الحدید معتزلی یکی از علمای بزرگ اهل سنت می‌گوید:
علی بن موسی الرضا علیه السلام داناترین، باسخاوت‌ترین و بزرگواری‌ترین مردم از
جهت اخلاق و رفتارهای انسانی بود. [8].

احترام به مردم

ابراهیم بن عباس می گوید:

هرگز ندیدم که امام رضا علیه السلام با سخن خود کسی را برنجانند و سخن کسی را قطع کند، تا اینکه سخن خود را تمام بکند، و هرگز حاجت کسی را که توان ادای آنرا داشت رد نمی کرد. ^[9]

عبادت امام رضا

نماز شب امام

رجاء بی ابی ضحاک می گوید:

امام رضا علیه السلام در سفر و حضر، نماز شب، شفع، وتر و دو رکعت [نافله] صبح را ترک نمی کرد. ^[10]

عبادت امام در زندان

عبدالسلام هراتی گوید:

به در خانه ای که امام رضا علیه السلام را در شهر سرخس زندانی کرده بودند آمدم، و آن حضرت آنجا گرفتار بود، از زندانبان اجازه [ملاقات] خواستم، به من گفت: که راهی بر او نداری، پرسیدم چرا؟ گفت: برای اینکه او بیشتر اوقات در روز و شب هزار رکعت نماز می خواند. ^[11]

طلب بهشت

رجاء بن ضحاک می گوید:

امام رضا علیه السلام شبها در بستر خود بسیار قرآن تلاوت می کرد، و چون به آیه های بهشت و دوزخ می رسید، می گریست و بهشت را از درگاه خدا طلب می کرد و از آتش دوزخ به خدا پناه می برد.

دعا در تعقیب نمازهای واجب

از آن حضرت روایت شده که فرمود: «برای طلب روزی بعد از هر نماز بگو: «یا من یملک حوائج السائلین، یا من لکل مسألة منک سمع حاضر و جواب عتید، و لکل صامت منک علم باطن محیط.»

«ای کسی که حوائج نیازمندان در اختیار اوست، ای کسی که از طرف تو برای هر درخواست گوشی شنوا و پاسخی مهیا، و برای هر سکوت کننده ای آگاهی به باطن و احاطه به آن وجود دارد.»

دعا در سجده شکر

از آن حضرت نقل است که فرمود: «بعد از نماز واجب به جهت شکرگزاری بنده به سبب موفق شدن او از طرف خدا به انجام نماز واجب، سجده‌ی شکر انجام می‌شود، و اما کمترین چیزی که می‌توان در این سجده گفت آن است که سه بار

بگوید: شکرا لله، شکرا لله» سه مرتبه.

دعا برای تمامی بیماری‌ها

زکریا بن آدم مقری که خادم آن حضرت می‌باشد گوید: روزی امام مرا صدا زد و فرمود: «بر تمامی بیماری‌ها بگو:
«یا منزل الشفاء، و مذهب الداء، انزل علی وجعی الشفاء.»
«ای نازل کننده‌ی شفا، و ای بر طرف کننده‌ی درد، بر بیماریم شفا عنایت فرما.»

کرامات وضوی امام

حضرت رضا علیه السلام با همراهان از نیشابور بیرون آمد و به سوی مرو حرکت کرد، در مسیر راه، به روستایی که «ده سرخ» نام داشت رسیدند، شخصی عرض کرد: «ای پسر رسول خدا! وقت ظهر فرارسیده است.»

امام رضا علیه السلام همان دم از مرکب پیاده شد، برای وضو آب طلبید، گفتند: همراه ما و در اینجا آب نیست. آن حضرت با دست مبارک خود خاک نقطه‌ای از زمین را رد کرد، ناگاه از همان جا چشمه‌ی آبی پیدا شد، حضرت و همراهان از آب آن وضو گرفتند، و اثر آن چشمه تا امروز باقی است.^[12]

روزه‌ی امام

ابراهیم بن عباس در ضمن شرح حالات امام رضا علیه السلام می‌گوید:
اکثر شبها از آغاز تا بامداد، به عبادت و مناجات با خدا اشتغال داشت، بسیار
روزه می‌گرفت، و روزه‌ی سه روز در هر ماه را ترک نمی‌کرد، و می‌فرمود:
«سه روز روزه گرفتن در هر ماه، معادل روزه گرفتن همه روزهای سال به
حساب می‌آید.»^[13]

ختم قرآن

آن حضرت در سه روز یک بار تمام قرآن را تلاوت می‌کرد، و می‌فرمود:
«اگر خواسته باشم که در کمتر از سه روز، قرآن را ختم کنم می‌توانم؛ ولی هیچ
آیه‌ای را نخواندم مگر این که در معنی آن اندیشیدم، و درباره‌ی این که آن آیه
در چه موضوع و در چه وقت نازل شده فکر کردم، از این رو هر سه روز،
همه‌ی قرآن را تلاوت می‌کنم.»^[14]

احتجاجات حضرت امام رضا

حکمت احکام الهی

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در پاسخ به پرسش‌های محمد بن سنان، چنین نوشت که: خدای تعالی قتل نفس را به جهت آن که اگر حلال می‌گشت تباهی مردمان و نابودی و فساد تدبیر آنان را موجب می‌شد، حرام فرمود. و خدای تعالی عقوق والدین را حرام فرمود؛ چرا که در آن، ناسپاسی خدای تعالی و والدین و کفر نعمت است و ابطال شکر و کمی و انقطاع نسل. از آن روزی که در عقوق والدین، ارج نهادن به والدین و حق ناشناسی و قطع ارحام نهفته و نتیجه‌اش آن است که والدین به سبب آن که فرزند از احسان بدانان خودداری می‌نماید، از داشتن فرزند و تربیت آن اجتناب ورزید. و خداوند، زنا را حرام فرموده به دلیل فساد که در آن است و موجب قتل نفس و از میان رفتن نسب‌ها می‌شود و ترک تربیت کودکان و فساد میراث‌ها و مفاسدی دیگر از این قبیل. و خداوند عزوجل تهمت به زنان شوهردار را حرام فرمود؛ زیرا باعث فساد نسب‌ها می‌شود و نفی ولد و تباهی میراث‌ها و ترک تربیت کودکان و از میان رفتن معروف و گناهان کبیره‌ای که در آن است و علل دیگری که موجب فساد مردمان است. و خداوند خوردن مال یتیم را که از روی ظلم و به ناحق باشد، حرام فرمود به علل بسیاری که فساد در پی دارد: اول آن که چون کسی به ناحق مال یتیم را

بخورد، در واقع در قتل او شرکت جسته است؛ زیرا یتیم به خود متکی و بی‌نیاز نیست و کسی هم که چون والدینش امورش را برعهده گیرد، موجود نیست. پس چون کسی مال او را بخورد، مانند این است که او را کشته است و به فقر و بی‌چیزی کشانده است. علاوه بر این خداوند این عمل را حرام کرده و برایش مجازات تعیین فرموده که می‌فرماید: «کسانی که می‌ترسند کودکان ناتوانان از آنها باقی مانده، زیردست مردم شوند؛ پس باید از خدا بترسند و سخن به اصلاح و درستی گویند و راه عدالت پویند.» و نیز ابوجعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «خداوند خوردن مال یتیم را دو عقوبت مقدر فرمود: عقوبتی در دنیا و عقوبتی دیگر در آخرت.»

پس در تحریم مال یتیم، بقای یتیم و استقلالش مر خودش را باشد و آیندگان از آنچه بدو رسیده سالم مانند؛ از آن روی که

خداوند عزوجل بر خوردن مال او عقوبت مقرر فرموده است، و علاوه بر این، خوردن مال یتیم سبب می‌شود که چون او به سنی رسد که ستمی را که بر او شده دریابد، به انتقام برخواهد خاست و کینه و عداوت و دشمنی حاکم گردد و در نتیجه، به نابودی و تباهی رسند.

و خداوند، فرار از جهاد را حرام فرمود؛ زیرا به واسطه‌اش دین سست می‌شود و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عادل عَلَيْهِمُ السَّلَامُ کوچک شمرده می‌شوند و یاری آنان علیه دشمنان ترک می‌گردد، دیگر این که دشمنان که دعوت پیامبران و امامان به اقرار بر ربوبیت و اظهار عدل و ترک ستم و از میان برداشتن فساد را رد نموده‌اند، به عقوبت نمی‌رسند، و نیز دشمن بر مسلمانان جری می‌شود و قتل و غارت و ابطال حق خدای تعالی و فسادهای دیگر لازم می‌آید. و خداوند متعال، تعرب بعد از هجرت را حرام فرمود؛ چه در آن، رجوع از دین و یاری

نکردن انبیا و حجج الهی - علیهم افضل الصلوات - است که این تباهی و فساد در خود دارد و ابطال و پایمال شدن حق هر ذی حقی را، نه آن که علت حرمت، سکونت در بادیه باشد، و از این رو، چنانچه کسی به دین رهنمایی شود و بدان معرفت یابد، بر او جایز نیست که با اهل جهل و نادانی زندگی کند در حالی که ترس [بی‌ایمانی] بر او می‌رود؛ زیرا او از این خطر ایمن نیست که معرفت و علم خویش [به دین] را ترک کند و با اهل جهل در بی‌ایمانی بماند.

و سبب حرمت ربا، نهی خدای تعالی و فسادی است که در اموال پدید می‌آید؛ زیرا چون انسان، درهمی را به دو درهم بخرد، بهای این درهم، درهمی بیش نیست و مابقی باطل است. پس خرید و فروش ربا در هر حالی بر خریدار و فروشنده، پلید و ناپسند است. از این رو، خدای تعالی ربا را به جهت فسادی که از اموال پدید می‌آورد بر بندگان ممنوع ساخت؛ همچنان که ممنوع ساخته است که اموال شخص سفیه را تا زمانی که بهبود نیافته بدو بدهند؛ چه خوف آن می‌رود که آن را تباه کند. پس این است علت آن که خداوند تعالی، ربا و فروختن درهمی به دو درهم را حرام فرموده است.

و سبب تحریم ربا پس از بینه، کوچک شمردن حرام محرم است که ارتکاب این عمل پس از بیان، و تحریم خداوند تعالی، گناهی بزرگ باشد و این عمل را سبب جز کوچک شمردن حرام محرم نیست و کوچک شمردن همان و دخول در کفر نیز همان.

و سبب تحریم ربا در نسبه، از میان رفتن معروف و تلف شدن اموال و مشتاق گشتن مردم به سود و ترک قرض [الحسنه] و صنعت های معروف است و فساد و ظلم و تباهی اموال که در آن است.^[15]

نور آسمان و زمین

شیخ صدوق در تفسیر آیهی «اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ» از عباس بن هلال نقل کرده است که: از امام رضا علیه السلام درباره‌ی این آیه پرسیدم ایشان فرمود: «یعنی هدایت کننده‌ی اهل آسمان و زمین».

و در روایت برقی آمده است: «کسانی را که در آسمان و زمینند، هدایت می‌کند.»

این بدان سبب است که هر کس به سوی حقیقتی، هدایت یافته است، در واقع با نور وجود هدایت شده است و اگر نور نبود، تاریکی‌ها غالب می‌شد. پس نور، یعنی وجودی که هدایت کننده است. و این تصدیق سخن ولی الله اعظم است که نور را به هادی تفسیر نمود. ^[16]

اکمال دین در لحظه وفات رسول

عبدالعزیز مسلم می‌گوید: «در یکی از روزهایی که در مرو خدمت حضرت رضا علیه السلام بودیم، جمعه‌ای در مسجد جامع اجتماع کردیم. در این بین از امامت و کثرت اختلاف مردم در این موضوع سخن به میان آمد.

خدمت امام علیه السلام رسیدم و از مباحثات مردم، با وی گفتگو کردم. امام رضا علیه السلام تبسمی کرد و فرمود: «ای عبدالعزیز! این قوم، نادانند و در آراء و نظریه‌ها، مکر و فریب و خدعه خورده و غافل گشته‌اند.

خداوند متعال، پیامبر خود را هنگامی قبض روح کرد که دینش را کامل گردانیده و قرآن را که در آن بیان هر چیزی و حلال و حرام و حدود و احکام و آنچه مردم بدان نیاز دارند، به طور کامل هست نازل فرمود.

و آن خداوند متعال می‌فرماید: «ما فرطنا فی الكتاب من شیء»^[17] در حجة الوداع، که روزهای آخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، پروردگار متعال آیه شریفه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا»^[18] را نازل فرمود و نعمت خود را تمام کرد.

امر امامت، اتمام دین است که دین به وسیله آن کامل گردد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم قبل از این که از جهان خاکی رخت بربندد، معالم دینش را برای مردم بیان فرمود و راهش را نشان داد و خود به قصد خداوند، آنان را ترک کرد.

آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم، علی بن ابی طالب علیه السلام را برای مسلمانان پیشوا و راهنما قرار داد و هر چه را که بدان نیاز داشتند بر ایشان بیان فرمود. هر کس گمان کند که خداوند، دین خود را کامل نکرده است، کتاب خداوند را انکار نموده و هر

کس کتاب خدا را انکار کند، کافر است. آیا این مردم، قدر امام را و موقعیت او را در میان امت دانند تا در مورد انتخابش اختیار داشته باشند؟

امامت به اندازه‌ای مقامش بلند و جایگاهش رفیع و باطنش عمیق است که عقول مردم، کنه و حقیقت آن را درک نکند و با رأی نظر خود نتوانند آن را به ادراک آورند، و یا با اختیار و انتخاب خود، امامی را برگزینند.

امامت، مقامی است که ابراهیم خلیل عليه السلام از طرف خداوند بدان رسید، و این مقامی بود که پس از نبوت و خلت به آن حضرت تفویض شد.

مقام امامت، سومین مقام ابراهیم عليه السلام بود، از طرف پروردگار به وی تفویض شد و این خود، فضیلتی بود که ابراهیم عليه السلام بدان مشرف گردید.

خداوند متعال فرمود: «**اني جاعلك للناس اماما**»^[19] و ابراهیم عليه السلام از روی خوشحالی پرسید: «**و من ذريتي؟**»

و خداوند در پاسخ فرمود: «**لا ينال عهدي للظالمين.**»

این آیه شریفه، امامت ستمکاران را تا روز قیامت باطل و آن را در برگزیدگان منحصر فرموده است پس از آن، خداوند متعال امامت را گرامی داشت و آن را در ذریه ابراهیم عليه السلام که پاک و برگزیده بود قرار داد. پس، فرمود: «**و وهبنا له اسحاق و يعقوب نافله و كلا جعلنا صالحين**»^[20] و جعلناهم ائمة يهدون بأمرنا و أوحينا اليهم فعل الخيرات و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة و كانوا لنا عابدين؛ نزدیکترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او

پیروی کنند و این پیامبر و امتش که اهل ایمانند، و خدا ولی مؤمنان است»

(آل عمران، 68)

مقام امامت در ذریه آن حضرت باقی ماند و این مقام را از یکدیگر به ارث بردند تا نوبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید. خداوند متعال در این باره فرماید: «**ان اولي الناس بابراهيم للذين اتبعوه و هذا النبي و الذين آمنوا و الله ولي المؤمنين**»^[21]

مقام امامت، مخصوص رسول اکرم ﷺ بود و پیامبر اکرم ﷺ نیز این مقام را به علی عليه السلام تفویض فرمود. این عمل به امر پروردگار، و ادامه‌ی سنت مفروض و الهی بود. پس از علی عليه السلام، مقام امامت در ذریه آن حضرت که از برگزیدگان بودند، قرار یافت، برگزیدگانی که علم و ایمان از طرف خداوندی بدان‌ها عطا شده که قرآن فرماید: «**وقال الذين اوتوا العلم والايمان لقد لبثتم في كتاب الله الي يوم البعث.**»^[22] امامت تا روز قیامت در فرزندان علی عليه السلام خواهد بود؛ زیرا پس از محمد ﷺ پیامبری نیست؛ حال، این مردمان نادان، چگونه می‌توانند امام خود را برگزینند؟

امامت، مقام انبیا و میراث اوصیاست.

امامت، خلافت خدا و رسول و مقام امیرالمؤمنین و میراث حسن و حسین است.

امامت، زمام دین و نظم جامعه‌ی مسلمین و اصلاح امور دنیا و عزت مؤمنان است.

امامت، ریشه و شاخه‌ی بالنده‌ی دین اسلام است.

تمام و کمال نماز و زکات و روزه و حج و جهاد، و برکت اموال فیء و صدقات، و امضای حدود و احکام، و حفظ ثغور و مرزها، به امام است.

امام، حلال خداوند را حلال، و حرامش را حرام کند و حدود خداوند را اقامه نماید، و از دین پروردگار دفاع و مردم را با حکمت و موعظه‌ی حسنه و حجت بالغه به سوی پروردگار دعوت کند. امام، مانند آفتاب درخشان است که روشنایی آن همه‌ی عالم را فراگرفته و خود در جایی بلند است که دست احدی به آن نرسد و دیدگان را توان یافتنش نیست.

امام، چون ماه تابان و نور فروزان و چراغ درخشان و ستاره راهنما در شبهای تاریک و رهگذر شهرها و بیابانها و گرداب دریاها است. امام، آب گوارای تشنگان و دلیل هدایت و نجات از هلاکت است. امام، مانند آتشی در بلندی است که مردم از آن هدایت گیرند و گرمایی است که به آن خود را گرم کنند.

امام، راهنمایی است که آدمی را از مهلکه‌ها نجات بخشد که هر کس او را ترک کند، در هلاکت گرفتار افتد.

امام، ابر بارنده و باران شتابنده و آفتاب فروزان و زمین هموار و چشمه جوشان و آب گاه و گلستان است.

امام، امین رفیق و پدر مهربان و برادر شفیق و پناه بندگان در مصیبت‌های بزرگ باشد.

امام، امین خدا در زمین و حجت پروردگار در بندگان و جانشین او، در شهرهاست و داعی به سوی اوست و مدافع حرمش.

امام، از گناه پاک و از هر عیب و نقصی منزّه است. او مخصوص به علم، و موسوم به حلم، و حافظ نظام دین و عزت مسلمین، و خشم بر منافقان و هلاک کافران است.

امام، یگانه روزگار است که کس با او قرین نباشد و عالمی با وی برابری نکند. چون او کسی نیست و نه بدلی دارد و نه مثلی و نه نظیری.

امام، فضل و دانش را بدون کسب و تعلیم فراگیرد و خداوند وهاب علم را به او عطا کند.

پس چه کسی تواند امام را بشناسد و یا او را انتخاب کند؟ هیئات! هیئات!
عقول مردم در این وادی سرگردان، و اندیشه آنان از درک حقایق ناکام است.»

[23]

فتوای تحریم خمر در قرآن

از علی بن یقظین، روایت می‌کند: مهدی عباسی از امام ابوالحسن علیه السلام پرسید: آیا حرمت شرب خمر در کتاب خدای تعالی ذکر شده است؟ زیرا مردم تنها می‌دانند که از آن نهی شده، لیکن نمی‌دانند که آیا تحریم نیز شده است یا نه؟

حضرت فرمود: «خمر در کتاب خدای تعالی نیز تحریم شده است.»
مهدی عرض کرد: یا ابوالحسن! این حرمت در کجای قرآن ذکر شده است؟
حضرت فرمود: در آن جا که خداوند متعال می‌فرماید: «**قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم و البغی و بغیر الحق**»^[24]
وقتی خداوند می‌فرماید: ما ظهر منها، مقصود زناى علنی و پرچم‌هایی است که فاجران برای زنان بدکار در جاهلیت در بالای خانه نصب می‌کرده‌اند. و قول خداوند متعال که می‌فرماید: و ما بطن، یعنی زن پدر؛ زیرا پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چون پدر وفات می‌کرد، پسرش که از آن زن نبود، او را به ازدواج خویش درمی‌آورد. پس خدای تعالی این عمل را تحریم فرمود.
و مقصود از الاثم، همان خمر است که خدای تعالی در جای دیگری می‌فرماید: «**یسئلونک عن الخمر و المیسر، قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس**»^[25]
پس، اثم در کتاب خداوند، خمر و قمار است و همان طور که خود فرموده، گناه شان بسی
بزرگ‌تر است.»

پس مهدی مرا گفت: ای علی بن یقظین! این فتوایی هاشمی است.

من نیز بدو گفتم: راست گفتی ای امیرمؤمنان! و حمد خدایی را که این علم
را از شما اهل بیت دور نساخت!
به خدا قسم، هنوز چیزی نگذشته بود که مهدی خطاب به من گفت: راست
گفتی، ای رافضی!^[26]

قیاس احادیث با قرآن

«حسن بن جهم» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و مرحوم فیض «قدس سره» آن را در باب «اختلاف حدیث و حکم» در کتاب وافی آورده است: راوی می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: روایت‌های مختلفی از شما به ما می‌رسد، ما چه کار کنیم؟
آن حضرت فرمودند: «هر روایتی که از ما به شما رسید، با قرآن و احادیث ما مقایسه کنید؛ اگر به آن دو شباهت داشت، راست است و اگر شباهت نداشت، دروغ است و آن را نگفته‌ایم.»^[27]

صاحبان چهره‌های نورانی

صدوق «قدس سره» در باب حادی عشر از کتاب عیون اخبار الرضا
علیه السلام با اسناد از «ابراهیم بن ابی محمود» نقل می‌کند
که: حضرت امام رضا علیه السلام در مورد سخن خداوند متعال: «چهره‌هایی در آن
روز خرم و شادابند و به سوی پروردگارشان نگاه می‌کنند، فرمود: «یعنی چشم
به خداوند دوخته‌اند و آنان منتظر ثواب پروردگارشان هستند.»^[28]

عدم رؤیت خدا

کلینی قدس سره از «احمد بن ادريس» از «محمد بن عبدالجبار» از «صفوان بن يحيى» می‌گوید: «ابو قره» محدث از من خواست تا او را خدمت امام رضا عليه السلام ببرم. من هم از آن حضرت اجازه گرفتم و ایشان هم اجازه دادند. ابو قره خدمت امام رسید و از حلال و حرام و احکام شرعی سؤال کرد، تا آنکه به بحث توحید رسید و گفت: ما روایاتی داریم که خداوند دیدن و سخن گفتن با خودش را میان پیامبران صلی الله علیه و آله تقسیم کرده است و سخن گفتن را به موسی عليه السلام داده است و دیدن را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله عنایت کرده است.

امام رضا عليه السلام فرمودند: «پس کیست که از جانب خداوند این پیام را برای جن و انس تمام جهانیان آورده است که هیچ چشمی خداوند را نمی‌بیند و هیچ کس با علم به خداوند احاطه پیدا نمی‌کند و هیچ چیز همانند خداوند نیست، آیا آن کس حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیست؟!»

ابو قره پاسخ داد: آری!

امام رضا عليه السلام دوباره فرمود: «چگونه می‌شود انسانی به سوی تمام مردم فرستاده شود و بگوید که از جانب خداوند آمده و به دستور خداوند مردم را هدایت می‌کند و بگوید: هیچ چشمی او را در نمی‌یابد و هیچ کس به او با علم احاطه پیدا نمی‌کند و هیچ کس همانند او نیست، ولی بعد بگوید: من با چشمم او را دیدم و به او علم پیدا کردم و با علم به او احاطه پیدا کردم و خداوند به شکل یک انسان است! آیا خجالت نمی‌کشید! زنادقه و کفار جرأت نکردند که چنین

نسبتی را به حضرت رسول ﷺ بدهند و بگویند که این پیامبر از جانب خداوند چیزی می آورد، اما خودش چیزهای دیگری می گوید؟»

ابو قره گفت: خداوند متعال در قرآن می فرماید: «ولقد رأه نزهة اخري»^[29]^[30].
یعنی و یکبار دیگر هم او را مشاهده کرد.»

امام رضا علیه السلام فرمودند: «بعد از این آیه، آیه دیگری هست که دلالت بر آنچه پیامبر دیده است، می کند؛ آنجا که خداوند می فرماید: «ما كذب الفؤاد ما رأي؛ یعنی آنچه را که چشم محمد ﷺ دیده بود، دل پذیرفت و تکذیب نکرد.»

سپس از آنچه که دیده است، خبر می دهد: «ولقد رأي من آيات ربه الكبري؛ یعنی آن حضرت آیات بزرگ پروردگارش را

دید و آیات خداوند غیر از خداوند است و خداوند می فرماید: «ولا يحيطون به علما»^[31]^[32] یعنی خلق را به هیچ به او احاطه و آگاهی نیست.

حال اگر چشمها بتوانند خداوند را ببینند، به او علم و احاطه علمی نیز پیدا خواهند کرد و او را خواهند شناخت.»

ابو قره گفت: پس بگوئیم روایات دروغ است و آنها را تکذیب کنیم؟
امام رضا علیه السلام فرمودند: «هرگاه روایات با قرآن مخالف باشد، می گوئیم آنها دروغند و همچنین آن روایات، مخالف با اجماع مسلمانان است که می گوید: هیچ کس به خداوند احاطه و آگاهی پیدا نمی کند و چشمها او را در نمی یابند و هیچ چیز همانند او نیست.»^[33]

اوهام قلوب بزرگ تر از دیدگان چشم است

کلینی در باب «ابطال الرویة» از کتاب کافی، از «محمد بن یحیی» و او از «احمد بن محمد» از «ابی هاشم جعفری» از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که از آن حضرت درباره خدا پرسیدم که: آیا به وصف درمی‌آید؟

فرمود: «آیا قرآن نخوانده‌ای؟»

گفتم: آری! خوانده‌ام.

فرمود: «این آیه را نخوانده‌ای که می‌فرماید: **«لا تدركه الابصار وهو يدرك**

الابصار» [34].

گفتم: چرا خوانده‌ام.

فرمود: «می‌دانید «ابصار» یعنی چه؟»

گفتم: آری.

فرمود: «یعنی چه؟»

گفتم: ابصار، یعنی دیدگان (دیدن چشمان)

فرمود: «اوهام قلوب بزرگ تر از دیدگان چشم است. پس اوهام نمی‌توانند او

را درک کنند، ولی او اوهام را درک می‌کند.» [35].

بر غریبی حسین و درد او گریه کنید

ثقه جلیل ریان بن شیبب گفت: در روز اول محرم بر امام ابی الحسن رضا علیه السلام وارد شدم، به من فرمود: «ای پسر شیبب! آیا روزه داری؟»
گفتم: نه.

گفت: «این روز، روزی است که زکریای پیامبر در آن پروردگار خود را خواند و گفت: «رب هب لی من لدنک ذریة طيبة انک سمیع الدعاء»^[36].
یعنی «ای پروردگار من! مرا از نزد خویش ذریتی پاک ببخش، همانا که تو دعا را شنونده‌ای.»

پس خدای تعالی دعای او را مستجاب کرد، و ملائکه را فرمود تا زکریا را در حالتی که وی در محراب ایستاده بود و نماز می‌گزارد، ندا کردند که:
«خداوند تو را به یحیی مژده می‌دهد!»

پس هر کس این روز را روزه بدارد و خدای تعالی را بخواند، خدای تعالی او را اجابت کند، چنان که زکریا را.»

آن گاه گفت: «ای پسر شیبب! محرم آن ماه است که مردم جاهلیت در گذشته حرمت آن ماه را نگاه می‌داشتند، اما این امت نه حرمت ماه را شناختند و نه حرمت پیمبر خود را. و در این ماه ذریه او را کشتند، و زنان او را اسیر کردند، و اثاث او را به تاراج بردند، خداوند هرگز آنان را نیامرزد!
ای پسر شیبب! اگر برای چیزی گریه خواهی کرد، برای حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کن، برای آن که او را مانند گوسفند ذبح کردند، و هیچ‌کس مرد از خاندان او با او کشته شدند که روی زمین مانند آنها نبود.

ای پسر شبیب! اگر خوشحال می‌کند تو را که در درجات بلند بهشت با ما
باشی، برای اندوه ما، اندوهناک باش و از فرح ما شادمان.
و بر تو باد دوستی ما که اگر مردی سنگی را دوست بدارد، خدا او را روز
قیامت با آن سنگ محشور گرداند.»^[37]

به غم ما غمین باش، در شادی ما شاد

در حدیث ریان بن شیبب از امام رضا علیه السلام نقل است که آن حضرت فرمود:
«ای پسر شیبب! اگر می خواهی که به درجات اعلای بهشت رسی، با ما باش! به
غم ما غمگین باش و به شادی ما شاد! و بر تو باد ولایت ما! که هر کس سنگی
را دوست داشته باشد، خداوند در روز قیامت با آن محشور ش کند».

شبی در حشر و معاد خود فکر می کردم و به نامه‌ی اعمال خویش نظر
می افکندم، و این که چگونه به اعمالم رسیدگی خواهد شد که دیدم چیزی،
لازمه نفسم شده، با آن محشور گشته و از آن جدا نمی شود، وقتی دقت کردم
دیدم کتابی خطی است که آن را به شدت دوست دارم. در این وقت این حدیث
را به یاد آوردم که: «هر کس سنگی را هم دوست داشته باشد با آن محشور
می شود.» و کتاب هم مانند سنگ، از جمادات است و از این جهت با آن فرقی
ندارد. [38].

حجاب خدا

در باب 36 توحید صدوق که «باب الرد علی الثنویة و الزنادقة» است، روایت شده است که:

دخل رجل من الزنادقة علی الرضا علیه السلام - مردی از زنادقه نزد حضرت رضا علیه السلام آمد، تا این که گوید - قال الرجل: فلم احتجب؟
فقال ابوالحسن علیه السلام: «ان الاحتجاب عن الخلق لكثرة ذنوبهم ...»
آن مرد می پرسد که: چرا خدا از خلق پوشیده است؟
امام فرمود: «گناهانشان حجابند.» شیخ اجل سعدی گوید:

سعدی! حجاب نیست، تو آینه پاک دار زنگار خورده چون بنماید جمال دوست؟^[39]

وصف خدا با خود خدا

در تفسیر صافی فیض - قدس سره - در ضمن کریمه: «ذهب الله بنورهم و ترکهم فی ظلمات لا یبصرون»^[40] در عیون از امام رضا علیه السلام آمده که: «ان الله لا یوصف بالترک کما یوصف خلقه» الخبر، یعنی: «خدای تعالی به ترک موصوف نمی‌شود، آنگونه که خلقش به آن موصوف می‌گردند.»

و ثقة الاسلام کلینی - رضوان الله تعالی علیه - در باب نهی از وصف کردن حق به غیر آنچه که خود وصف کرده در اصول کافی به اسنادش از ابوالحسن رضا - علیه الصلوة و السلام - روایت کرده است که فرمود: «اللهم لا اصفک الا بما وصفت به نفسک؛ یعنی خدایا! تو را جز به آنچه خود، خودت را وصف کردی وصف نمی‌کنم.»^[41]

خلق آدم علی صورته

صدوق (ره) در عیون اخبار الرضا علیه السلام با اسنادش به حسین بن خالد روایت کرده که می گوید: «از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! نقل می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «ان الله عزوجل خلق آدم علی صورته».

فرمود: خدایشان بکشد! آنان ابتدای حدیث را حذف کرده اند. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دو مرد را دید که به یکدیگر ناسزا می گفتند. یکی از آنها، دیگر را می گفت: «خداوند تو و هر که را شبیه توست زشت گرداند!» از این رو پیامبر فرمود: «ای بنده ی خدا! به برادرت چنین مگو! زیرا خداوند عزوجل، آدم را بر صورت او خلق فرمود».^[42]

عبادت چیست

معمر بن خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «عبادت تنها کثرت نماز و روزه نیست، بلکه عبادت، تفکر در امر خدای عزوجل است.»

احتجاج در باب خداوند

مرحوم طبرسی می‌فرماید: «صفوان بن یحیی» می‌گوید: «ابو قره» محدث از پیروان «شبرمه» از من خواست تا او را خدمت امام رضا علیه السلام برسانم. من هم از آن حضرت اجازه

گرفتم. ایشان نیز اجازه دادند. ابو قره خدمت امام رسیدند و سوالاتی در مورد حلال و حرام و احکام شرعی و واجبات پرسیدند، تا آن که سؤالش به توحید رسید.

ابو قره پرسید: خداوند مرا فدایت کند! در مورد کلام خداوند متعال با حضرت موسی علیه السلام برایم بفرمایید!

امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند و پیامبرش آگاه‌ترند که با چه زبان خداوند با موسی علیه السلام سخن گفت؛ به زبان سریانی، یا به زبان عبری.

ابو قره دست بر زبان خود گذاشت و گفت: من از این زبان سؤال می‌کنم.

امام رضا علیه السلام فرمودند: سبحان الله از آنچه تو می‌گویی!

و پناه بر خدا از این که خداوند شبیه به خلق خود شود و همچنان که آنان سخن می‌گویند، سخن گوید. و خداوند متعال هیچ مثل و مانندی ندارد و هیچ گوینده و انجام دهنده‌ای همانند او نیست.

ابو قره گفت: سخن خدا چگونه است؟

امام رضا علیه السلام فرمودند: سخن گفتن آفریننده با مخلوقات، همانند سخن گفتن مخلوقات با یکدیگر نیست و نیازی به باز کردن دهان و حرکت دادن زبان ندارد و همین که خداوند بگوید: باش، ایجاد می‌گردد. سخن گفتن خداوند با حضرت موسی علیه السلام و امر و نهی الهی که به ایشان ابلاغ می‌شد، همین گونه است.

ابو قره گفت: در مورد کتاب‌های آسمانی چه می‌فرمایید؟

امام رضا علیه السلام فرمودند: تورات و انجیل و زبور و قرآن و هر کتابی که از جانب خداوند نازل شده، کلام خدا و نور و هدایتی است برای جهانیان و همه آنها حادث هستند، یعنی زمانی نبوده و بعد موجود شده‌اند و همه‌ی آنها غیر از ذات خداوند متعال هستند؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید:

«او یحدث لهم ذکرا»^[43].

یعنی: یا این که برای آنها ذکری را ایجاد کند.

و در جای دیگر می‌فرماید:

«ما یأتیهم من ذکر ربهم محدث الا استمعوه وهم یلعبون»^[44].

یعنی: «این مردم غافل هیچ پند و موعظه‌ای از جانب پروردگارشان نیاید و حادث نشود، مگر آن که آن پند را شنیده و باز به بازی و لهو و لعب عمر می‌گذرانند.»

پس خداوند تمام کتاب‌هایی را که نازل فرموده ایجاد کرده است.

ابو قره گفت: پس آیا آنها فانی می‌شوند و از بین می‌روند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: تمام مسلمانان اتفاق دارند که هر چیزی غیر از خداوند متعال از بین رفتنی است و هر چیزی غیر از خدا، فعل خداوند و مخلوق اوست و تورات و انجیل و زبور

و قرآن نیز فعل خدا و مخلوق او هستند. آیا نشنیده‌ای که مردم می‌گویند: «پروردگار قرآن» و این‌که روز قیامت قرآن می‌گوید: «پروردگارا! این فلانی است» و او را بهتر از خود او می‌شناسد و می‌گوید: «او روز و شب خود را مشغول من کرد. حال خدایا! تو هم شفاعت من را در مورد او بپذیر؟»

و همچنین تورات و انجیل و زبور، همه حادث شده‌اند و خدایی که هیچ‌کس همانند او نیست، آنها را آفریده و حادث کرده است تا برای ملتی که عقل خود را به کار می‌برند، هدایتی باشد.

و هر کس گمان کند که این کتاب‌های آسمانی همیشه بوده‌اند، معنایش این است که خداوند اول و قدیم و یکی نیست! بلکه کلام هم همیشه با او بوده و شریک و همراه او بوده است.

ابو قره گفت: ما روایتی داریم که در روز قیامت کتاب‌های آسمانی همه در برابر چشمان مردم به سوی خداوند، که پروردگار جهانیان است، باز خواهند گشت؛ زیرا این کتاب‌ها از خداوند و جزئی از او هستند، پس به سوی او باز خواهند گشت.

امام رضا علیه السلام فرمودند: مسیحیان نیز در مورد حضرت مسیح علیه السلام همین گونه گفتند که مسیح روح خدا و جزئی از اوست و به سوی خدا بازمی‌گردد و همچنین آتش پرست‌ها

(زرتشتیان) نیز در مورد آتش و خورشید همین چیزها را گفتند که آنها جزئی از خدای اند و به سوی او بازمی‌گردند، در حالی که خداوند متعالی بری

از آن است که جزء داشته باشد و یا مختلف باشد، و چیزی که جزء دارد، مختلف و یا همانند می شود؛ زیرا هر متجزی ای، متوهم است و قلت و کثرت نیز مخلوق هستند که بر خالق دلالت می کنند که آنها را آفریده است.

ابو قره گفت: ما روایتی داریم که خداوند دیدن و کلام را میان پیامبران تقسیم کرده است و کلام را به حضرت موسی عنایت کرده و دیدن را نصیب حضرت محمد ﷺ کرده است (تا آخر روایتی که قبلاً ذکر کردیم)

و همچنین در مورد این آیهی شریفه سؤال کرد که خداوند می فرماید:

«سبحان الذي اسري بعبده ليلا من المسجد الحرام الي المسجد الاقصي»^[45]

یعنی: پاک و منزّه است خداوندی که بنده اش را در یک شب از مسجد الحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد.

امام رضا عليه السلام فرمودند: خداوند از این سفر پیامبر خبر می دهد و دلیل آن را این گونه بیان می فرماید: «لنريه من آياتنا»؛ «تا آیات و نشانه های الهی را به او نشان دهیم.»

پس آیات خداوند غیر از خداوند هستند و دوباره خداوند متعال دلیل این سفر و چیزی را که آن حضرت دیده است، این گونه بیان می فرماید: «فبأي حديث بعد الله و آياته يؤمنون»

یعنی: «پس به کدام سخن بعد از خداوند و آیات و نشانه های او ایمان می آورند؟» پس آیات الهی غیر از خداوند هستند.

ابو قره گفت: پس خداوند کجاست؟

امام رضا عليه السلام فرمودند: کجا، مکان است و در فرق میان حاضر و غایت مطرح می گردد، که حاضر در این مکان است و غایب در مکان دیگر، ولی خداوند نه غایب است و نه حاضری بر خداوند سبقت می گیرد و خداوند در هر

مکانی هست و همه چیز را تدبیر می‌کند و آفریننده هر چیز است و آسمان و زمین را نگه می‌دارد.

ابو قره گفت: آیا خداوند در آسمان نیست؟

امام علیه السلام فرمودند: او خداوند در آسمان‌ها و زمین است و هم در آسمان خداست و هم در زمین خداست و خداوند شما را در رحم‌های مادرانتان، هرگونه که بخواهد، شکل و قیافه می‌دهد و هر جا که باشید، خداوند با شماست و خداوند بر آسمان‌ها تسلط یافت، در حالی که آسمان‌ها به شکل دود بود. و خداوند بر آسمان‌ها تسلط یافت و آنها را به هفت آسمان تقسیم کرد.

و او خدایی است که بر عرش تسلط یافت، در حالی که خداوند بود، اما هیچ آفریده‌ای نبود و او همانگونه که خداوند است، زمانی که آفریده‌ای نبود نیز خداوند بود و همانند مخلوقات نیست که از حالتی به حالت دیگر انتقال یابد.

ابو قره گفت: پس چرا شما هنگامی که دعا می‌کنید، دست‌های تان را به سوی آسمان دراز می‌کنید.

امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند به شکل‌های مختلف عبادت، آفریدگانش را به بندگی دعوت کرده است و برای خداوند جایگاه‌هایی است برای پناه بردن به آن و او عبادتگاهی است برای عبادت او. خداوند از راه سخن گفتن و علم و عمل و توجه به سوی خداوند و دیگر راه‌ها بندگانش را به عبادت دعوت کرده است؛ مثل این که نماز رو به قبله باشد و برای حج و عمره باید به سوی کعبه رفت.

و یکی دیگر از راه‌هایی که خداوند بندگانش را به آن دعوت کرده است، این است که به هنگام دعا و درخواست و تضرع، دست‌ها را بگشاییم و به سوی

آسمان دراز کنیم؛ زیرا این حالت گدایان است و علامت بندگی و ذلت و خواری در پیشگاه خداوند است.

سپس امام رضا علیه السلام فرمودند: اگر مراد تو کف دست و ساعد است، پس همه چیزها فعل خداوند و آفریده‌ی او هستند و خداوند به واسطه هیچ یک از مخلوقات از دیگری غافل

نمی‌گردد. بالاترین آفریده‌ها را از همان جهت اداره می‌کند که پایین‌ترین مخلوقات را اداره می‌کند و اولین آنها را از همان جهت اداره می‌کند که آخرین آنها را اداره می‌کند، بدون هیچ سختی و زحمتی و بدون هیچ خرج و نیاز به مشورت و یا درد سری.

و اگر تو می‌گویی که هر کس بیشتر خداوند را اطاعت کند، به او نزدیک‌تر است و همچنین روایت دارید که نزدیک‌ترین حالت‌های انسان نسبت به خداوند، در حالت سجده است.

و باز روایتی دارید که چهار ملائکه هستند که با هم ملاقات کردند، که یکی از طرف بالا و دیگری از طرف پایین مخلوقات و سومی از جانب شرق و چهارمی از جانب غرب مخلوقات می‌آیند و از همدیگر می‌پرسند و آنان جواب می‌دهند که: از نزد خدا می‌آئیم و او ما را فرستاده است.

پس تمام این روایت‌ها دلیل آن می‌شود که تمام این نزدیک بودن‌ها به معنای منزلت و مقام است؛ نه این‌که تشبیه و تمثیل برای خداوند متعال باشد.

ابو قره گفت: آیا اقرار می‌کنی که خداوند حمل می‌شود؟

امام رضا علیه السلام فرمودند: هر چیزی که حمل شود، کاری روی آن انجام شده است و به غیر از خود اضافه شده و به آن احتیاج پیدا کرده است و لفظ محمول، تقضی در شأن خداوند متعال است.

و همین گونه است اگر کسی بگوید: خداوند بالا است و پایین و بالاترین و پایین‌ترین است.

و خداوند متعال می‌فرماید: «وله الاسماء الحسنی فادعوه بها»^[46] برای او نام‌های زیباست پس خداوند را با آن نام‌ها بخوانید.» و خداوند در هیچ یک از کتاب‌های آسمانی نفرموده که خداوند محمول است؛ بلکه خداوند حمل‌کننده در خشکی‌ها و دریاها است و نگه‌دارنده آسمان‌ها و زمین است و حمل‌کننده هر چیزی است که غیر از خداوند است، و هیچ گاه شنیده‌ایم که کسی به خداوند ایمان بیاورد و او را بزرگ شمارد و در دعای خود بگوید: ای کسی که حمل می‌شود!

ابو قره گفت: پس آیا این روایت را تکذیب می‌کنید: «هنگامی که خداوند غضبناک می‌گردد، و فرشتگانی که عرش خداوند را حمل می‌کنند، از سنگینی عرش که بر دوششان احساس می‌کنند، متوجه خشم خداوند می‌گردند و برای همین می‌افتند و هنگامی که خشم خداوند فرونشست، عرش دوباره به حال اول بازمی‌گردد و فرشتگان نیز به جای خود بازمی‌گردند»؟

امام رضا علیه السلام فرمودند: بگو ببینم از زمانی که خداوند شیطان را لعنت کرد تا امروز و از امروز تا روز قیامت، آیا از شیطان و یارانش خشمگین بوده و خواهد بود یا راضی و

خشنود است؟

ابو قره پاسخ داد: آری بر آنها خشمگین است.

امام رضا علیه السلام فرمودند: پس هرگاه خداوند خشنود گردد، عرش سبک می‌شود، ولی با جوابی که تو دادی، خداوند همیشه بر شیطان و یارانش خشمگین است.

پس امام رضا علیه السلام فرمودند: وای بر تو! چگونه جرأت می‌کنی و خداوند را به تغییر از حالتی به حالت دیگر وصف می‌کنی و این‌که هر چه بر مخلوقات جاری می‌گردد، بر خداوند نیز جاری می‌شود؟ سبحان الله! خداوند همیشه بوده است؛ اگر چه دیگران از بین می‌روند و با تغییر کنندگان هیچ تغییری نکرده است.

صفوان می‌گوید: بعد از جواب امام علیه السلام رنگ ابو قره تغییر کرد و دیگر پاسخی نداشت تا بگوید و بلند شد و از خدمت امام بیرون رفت.^[47]

سخنان گرانقدر امام رضا

تو خود حجاب خودی از میان برخیز

از ثامن الائمه علیه السلام سؤال شد که: چرا خداوند از خلق در حجاب است؟
در جواب فرمود: «حجاب از بسیاری گناهان مردم است.» [48]

عصمت حضرت زهرا

جعفر بن محمد بن زید گوید:

در بغداد بودم که محمد بن منده بن مهریزد مرا گفت: آیا خواهی که به
خدمت حضرت محمد بن علی الرضا علیه السلام رسی؟

گفتم: آری!

پس بر او داخل شدیم و سلام کرده، نشستیم، حضرت گفت: رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود: «فاطمه علیه السلام ، عقیف و پاک بود؛

پس خداوند آتش را بر ذریه او حرام گردانید، و این، خاص حسن و حسین
علیه السلام است.» [49]

حال خردمندان

امام هشتم علیه السلام فرموده است: «خردمندان می‌دانند که آن چه در ماورای این نشأه عالم طبیعت است، از همین نشأه که آیت و مثال آن است دانسته می‌شود.»
[50]

علت استواری آسمان و زمین

در روایت از حضرت ثامن الحجج امام رضا علیه السلام آمده است که: «قامت السموات و الارض بالحجة.» این حجت دلیل است که تمام آسمان‌ها و زمین از روی دلیل و برهان صورت گرفته است. هیچ کلمه‌ای از کلمات کتاب بزرگ غیر متناهی عالم بی‌دلیل نیست. همه از روی حجت است و در هیچ وضع و حالت و نظم و نضد آن جای انگشت اعتراض کسی نیست. عقل از تماشای نظم أحسن و وحدت صنع آن سرگشته است. خلقت ما به حجت است و برای آن غرض و غایت است. [51].

حیات ویژه شهدا

قرآن کریم می‌فرماید: «ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله

امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون» (169 آل عمران) با توجه به مسئله بقای ارواح پس از مرگ که در مورد همه‌ی افراد بشر صادق است، بنابراین، حیات خاصی که در آیه‌ی مذکور برای شهدای راه خدا، مطرح می‌شود به چه معناست؟ آیا چیزی غیر از بقای روح آنهاست؟ اگر چنین حیات مراد است، بنابراین، اختصاص به شهدا ندارد؟

استاد: البته جنبه‌ی بقای نفوس، امر عامی است، اختصاص به نفوس شهید و غیر شهید ندارد، ما برهان داریم که «عام» بر قرارند و ارواح پس از بدن، باقی هستند، بنابراین، حیات شهدا یک جنبه‌ی روحی و معنوی خاصی دارد. این، یک حیات تشریفی فوق آنهاست. در همین دنیا، می‌گوییم فلانی زنده است، زندگی دارد، اما در واقع مرگ تدریجی است.

همه «احیاء» هستند، اما آن قید «عند ربهم» احیاء را می‌خواهند، درست است که همه‌ی اشیاء عندالله محشورند، اما این یک تشریف مقامی است، اعلام رتبه‌ی وجودی شیء است.

در باب علم کتاب کافی، حدیثی از امام صادق علیه السلام است که: «من علم لله و عمل لله و علم لله دعي في الملكوت عظیما» درست است که یک پشه هم عظیم است، موریانه و مورچه هم عظیمند، اما این «عظیم»، عنوان دیگری است، به هر حال، «عند ربهم» حساب دیگری است: عند ربهم يرزقون. در دنیا عندالله بودند، در آن جا هم هستند، تا در اینجا عند اللهی

نشوند، آنجا عندالله نیستند، اینجا «فی مقعد صدق» اند، آنجا هم «فی مقعد صدق» اند.

تا اینجا کس وقف حق نباشد، آنجا عندالله نیست، ریشه‌ی مقامات آنجا اینجاست. کسی ممکن است شب و روز را به سر برد و ما ندانیم چه کار می‌کند، اما عندالله است.

آنچه که اینجا می‌فهمد به همین فهم و بینش اش، آنجا هم محشور است. «الدنیا مزرعه الآخرة» خوب حرفی است. هر کس اینجا هر چه کاشت، فردا همان را درو می‌کند.

امام رضا علیه السلام به شخصی در روایتی که ما آن را روی منبرها می‌خوانیم فرمودند: «هر چه را دوست داری، با آن محشور ی، ولو محبوب تو، سنگی باشد» ببینید چه کسی را دوست دارید، با هر کس محشور ی، با هم او خواهی بود. خوشا به حال کسانی که با خدا همنشین اند، آنجا هم با خدا همنشین اند.

[52]

رؤیای صادق

درس اشارات ما در محضر استاد در علوم عقلی و نقلی و ریاضیات و غیر آن، علامه ذوالفنون معلم عصر العلوم آیه الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی - روحی له الفداء و جزاء الله عنا خیر جزاء المعلمین - به ابتدای امر سوم در بحث از اطلاع

انسان بر غیب در حالت خواب رسید و تاریخ این درس و گفتگو عصر روز یکشنبه هشتم ذی الحجه ی سال هزار و سیصد و هفتاد و سه از هجرت حضرت خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مطابق با هفدهم ماه خرداد سال هزار و سیصد و سی و سوم هجری شمسی در تهران بود و مدرس بلند و محضر اعلایش نیز بیت شریف ایشان در تهران بود، خانه ای که به منزله ی بیت المعمور راقم بود، شگفت این که هم اکنون نیز این واقعه را در شب یکشنبه نهم ذی الحجه هزار و چهارصد و هشت مطابق با ماه مرداد سال هزار و سیصد شصت و هفتم هجری شمسی بعد از گذشت سی و پنج سال قمری می نویسم.

خلاصه این که جناب شعرانی - قدس سره الشریف - فرمود: در سالی که دست های ستم به جسارت و اهانت مرقد ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا عليه السلام را به توپ بست، من قبل از آن واقعه هائله به چند شب در خواب دیدم: دودی غلیظ سیاه مسموم از جانب مشرق متصاعد شد، آنگاه همانند غباری مسموم در هوا منتشر شد تا این که به همه ی دنیا رسید و تمام فضا را احاطه کرد و همه ی مردم را دربر گرفت، پس هر صالح و مؤمنی از آن مسموم گردید و

هلاک شد، اما دود به دیگران ضرری نمی‌رساند و به آنها نمی‌رسید، چند روزی گذشت که این واقعه‌ی هائله اتفاق افتاد و ما به تعبیر آن رؤیای عجیب دهشت آور منتقل شدیم.^[53]

دعا، سلاح پیامبران

از امام رضا علیه السلام نقل شده که همواره به اصحاب خود می فرمود: بر شما باد سلاح پیامبران، از او پرسیده شد که سلاح انبیاء چیست؟ فرمود: سلاح انبیاء دعا می باشد. [54]

بخشیده شده از رحمت

امام رضا علیه السلام فرمود:

«الصلوة صلة الله للعبد بالرحمة؛

نماز عطیه و احسانی است از طرف خداوند برای بنده، که از راه رحمت و

عنایت بخشیده است.» [55]

بهترین شیوه‌ی زندگی

امام رضا علیه السلام فرمود:

شیعیان و پیروان ما را به سه مسأله امتحان کنید:

1- اهمیت به اوقات نماز، که آیا اول وقت نماز را برپای می‌دارند یا خیر؟

2- حفظ اسرار، یعنی در حفظ اسرار و مسایل محرمانه

کوشا هستند یا خیر؟

3- و از حیث توانمندی‌های مالی، یعنی آیا در مال خود برای برادران دینی

سهمی قائلند و دست آنها را می‌گیرند یا خیر؟^[56]

بعد از معرفت خدا

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«اعلم ان افضل الفرائض بعد معرفة الله - جل و عز - الصلوة الخمس؛

بدان که افضل واجبات بعد از معرفت خدای عزوجل نماز پنجگانه است.»^[57]

حکمت حمد و سوره

امام رضا علیه السلام فرمود:

«امر الناس بالقراءة في الصلوة لثلا يكون القران مهجورا مضيعا؛

مردم به خواندن حمد و سوره در نماز به این جهت موظف شده‌اند که قرآن

مجید متروک و ضایع نشود.»^[58]

مانع وقت نماز

امام رضا علیه السلام فرمود:

«حافظوا علی مواقیب الصلوات، فان العبد لا یأمن الحوادث؛

مراقب وقت‌های نماز باشید (که تا وقتش فرارسید انجام دهید)؛ چرا که

انسان از حوادثی که مانع انجام نماز در وقت گردد، ایمن نیست.»^[59]

تأخیر نماز عمدا

امام رضا علیه السلام فرمود: «حافظوا علی مواقیب الصلوات فان العبد لا یأمن

الحوادث و من دخل علیه وقت فریضة فقصر عنها عمدا متعمدا فهو خاطی؛

محافظت بر اوقات نماز کنید، پس همانا انسان از حوادث در امان نیست و کسی

که وقت نماز فریضه بر او داخل شد و عمدا کوتاهی کرد، خطا کننده است.»^[60]

غافل از اوقات نماز

امام رضا علیه السلام فرمود:

من قوله تعالى: «ويل للمصلين، الذينهم عن صلاتهم ساهون»، يقول عن وقتهم يتغافلون؛

در تفسیر این آیه: «وای بر نمازگزاران، آنهایی که از نماز خویش غافلند»، می‌فرماید: ساهون آنهایی هستند که غافل از اوقات نمازهای واجب خود هستند.»^[61]

فلسفه‌ی نماز جماعت

امام رضا علیه السلام فرمود: «انما جعلت الجماعة لثلاثا يكون الاخلاص و التوحيد و الاسلاك و العبادة لله الا ظاهرا مكشوفاً مشهوراً؛ نماز جماعت قرار داده شده است، تا اخلاص و یگانگی و اسلام و عبادت برای خداوند آشکار، بارز و ظاهر باشد.» [62]

رضوان خدا

امام رضا علیه السلام فرمود:
«رضوان الله الصلوة بالليل؛
نماز شب، رضوان (خشنودی) خدا را به همراه دارد.» [63]

تمیز کردن مسجد

امام رضا علیه السلام فرمود:

«ان الجنة و الحور لتشتاق الی من یکسح المسجد او يأخذ منه القدی؛

بهشت و حوریان بهشتی مشتاق کسی هستند که مسجد را تمیز کند، یا

آلودگی‌های آن را بگیرد.»^[64]

عشق و علاقه‌ی علامه حسن زاده‌ی آملی به امام رضا

علم حین فسر وجد

روز پنج‌شنبه، بیستم شعبان المعظم 1378 هـ ق مساوی 2 آذر 1346 هـ ش، در قم در محضر روحانی بزرگوار جناب آقای حاج سید حسین قاضی طباطبایی، ابن عم آیه‌الله حاج سید علی قاضی تبریزی (رضوان الله علیهما) بودم، فرمودند: مرحوم کفعمی کتابی به نام صفوة الصفات فی شرح دعاء السمات دارد؛ در آن کتاب می‌گوید که: اسمای دوازده امام علیهم‌السلام آنچه مکرر است القاء شود باقی می‌شود «علم حین فسر وجد» و ما این را ندانستیم یعنی چه، از جناب آقا سید محمد حسن إلهی (آیه‌الله استاد إلهی برادر علامه آقا سید محمدحسین طباطبایی صاحب تفسیر المیزان، و این هر دو بزرگوار (روحی لهما الفداء) از استادان این کم‌ترین بوده‌اند)

[صفحه 58]

سؤال کردیم، آن جناب مرحوم آیه‌الله حاج سید علی قاضی (نام برده) را احضار کرده است و معنی جمله مذکور را از ایشان پرسیدند، آن مرحوم در جواب فرمود که: با اسماء چهارده معصوم چنین کنند که می‌شود «طه علم حین فسر وجد» ولی آن را بیان نفرموده‌اند.^[65]

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

در عنفوان جوانی و آغاز درس زندگانی که در مسجد جامع آمل سرگرم به صرف و تهجد عزمی راسخ و ارادتی ثابت داشتم؛ در رؤیای مبارک سحری به ارض اقدس رضوی تشریف حاصل کردم و به زیارت جمال دل‌آرای ولی الله اعظم، ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا - علیه و علی آبائه و ابنائه آلاف التحية و الثناء - نائل شدم.

در آن ليله مبارکه قبل از آن‌که به حضور باهر النور امام عليه السلام مشرف شوم، مرا به مسجدی بردند که در آن مزار حبیبی از احباء الله بود و به من فرمودند: در کنار این تربت دو رکعت نماز حاجت بخوان و حاجت بخواه که برآورده است، من از روی عشق و علاقه مفرطی که به علم داشتم نماز خواندم و از خداوند سبحان علم خواستم.

سپس به پیشگاه والای امام هشتم، سلطان دین رضا

- روحی لثربته الفداء، و خاک درش تاج سرم - رسیدم و عرض ادب نمودم، بدون این که سخنی بگویم، امام که آگاه به سر من بود و اشتیاق و التهاب و تشنگی مرا برای تحصیل آب حیات علم می‌دانست فرمود: «نزدیک بیا!»

نزدیک رفتم و چشم به روی امام گشودم، دیدم با دهانش آب دهانش را جمع کرد و بر لب آورد و به من اشارت فرمود که: بنوش، امام خم شد و من زبانم را درآوردم و با تمام حرص و ولع که خواستم لب‌های امام را بخورم، از کوثر دهانش آن آب حیات را نوشیدم و در همان حال به قلبم خطور کرد که امیرالمؤمنین علی عليه السلام فرمود: «پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آب دهانش را به لبش آورد و

من آن را بخوردم که هزار در علم و از هر دری هزار در دیگری به روی من
گشوده شد.»

پس از آن امام علیه السلام طی الارض را عملاً به من بنمود، که از آن خواب
نوشین شیرین که از هزاران سال بیداری من بهتر بود به درآمدم، به آن نوید
سحرگاهی امیدوارم که روزی به گفتار حافظ شیرین سخن به ترنم آیم که:
دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند وندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند ^[66].

زهی مراتب خوابی که به ز بیداری است

اینجانب بنا بر فرموده شیخ الرئیس که فرمود: «از عوامل ضعف بینایی چشم، خوابیدن با شکم سیر است و لازم است بین غذای شب و خوابیدن فاصله انداخت.» همیشه مقید بودم شام را سر شب صرف کنم تا فاصله موردنظر شیخ را مراعات کرده باشم که مبدا خدای نکرده چشمم که یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های کسب دانش و پیمودن راه کمال است ضرر ببیند و این امر سبب شود که از تحصیل علم و کمال باز بمانم (یا در شب حتی الامکان از خوردن غذا خودداری کنم).

ولی با این همه شبی از شب‌ها (در شب چهارشنبه 29 جمادی الاول 1405 قمری برابر با اول اسفند 1363) شامم به تأخیر افتاد و متأسفانه بعد از شام خواب شدیدی بر من عارض شد.

برای اینکه فرموده‌ی شیخ را عمل کرده باشم، بلند شدم و شروع کردم به قدم زدن و تا دوازده نصف شب بیدار بودم، ولی بر اثر شدت حالت خواب نتوانستم از خوابیدن خودداری کنم، لذا خوابیدم.

خواب شیرین بود و رؤیای شیرین‌تر که به زیارت حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا علیه السلام تشرف حاصل کردم. در ابتدا به اشاره تفهیم فرمودند که: چرا کمتر خودت را به ما نشان می‌دهی و پس از آن به عبارت صریح به من فرمودند:

«این قدر خودت را زحمت مده، ما چشم تو را تا آخر عمر

ضمانت می‌کنیم.»

الحمد لله که از این بشارت آن ولی الله اعظم که به لقب ضامن هم شناخته شده است، برایم یقین حاصل است که هر دو کریمه من تا آخرین دقایق عمرم بینا خواهند بود، چون ضامن شان معتبر است، چنانکه مشمول الطاف دیگر آن حضرت نیز بودیم و هستیم.

و آن که حضرت فرمود: «چرا کمتر خودت را به مان نشان می دهی؟» شاید علتش این بود که در آن اوان، بر اثر تراکم اشتغال درس و بحث و تصنیف و تصحیح، مدتی به زیارت حضرت بی بی ستی فاطمه معصومه علیها السلام خواهر آن جناب توفیق نیافتم و تشریف حاصل نکردم. شگفت این که در آن شب اصلاً اندیشه آن جناب در خاطر من نبود. ^[67]

[68]

خدمت به امام هشتم

مرحوم الهی قمشه‌ای در شبی برایم حکایت کرد که جمعی از ارادتمندان
مرحوم استاد آقا بزرگ خواستند در مشهد رضوی به او خدمتی کنند یکی از
مناصب عمده‌ی امور ثامن‌الائمه علیه‌السلام را به وی تفویض کردند آن بزرگ مرد با
کمال آزادگی اظهار داشت که من دخالت در امور امام هشتم علیه‌السلام را با
شرایط فعلی مشروع نمی‌دانم زیرا که جمیع موقوفاتش را درهم و برهم کردند
و وقف نامچه‌ها را از جعل واقفین انداختند. [69]

ما چه کم داریم

یادم هست یک روز طلبه‌ای آمد خدمت آقای قزوینی و از بعضی کمبودها و مشکلات، شکایت داشت مثلاً می‌گفت: آقا وضع مالی چطور است، مسکن فلان است، خرج زندگی مشکل است و ... هکذا. آقای قزوینی به همه‌ی حرفهایش - با کمال خونسردی و آرامش - گوش دادند و بعد فرمودند:

آقا جان، عزیز من، ما چه کم داریم، میگی خدای خوب و مهربانی نداریم که داریم، علاوه بر این، ما 124 هزار پیغمبر داریم، ما 14 معصوم داریم، ما 12 امام داریم، تازه دوازدهمی آنها زنده هم هست! چه از این بهتر! پس ما دیگه چه کم داریم؟! [70].

دوباره دیندار شدم

بنده خودم در یکی از نوشته‌ها یم عنوان کرده و گفته‌ام من از دین به در آمدم و دوباره دین را قبول کردم، خواه مردم بپذیرند، و خواه نپذیرند، بنده بله بنده، حسن‌زاده آملی، از دین به در آمدم و دوباره دین را پذیرفتم. بنده دین آبایی ندارم، دین تقلیدی و طایفه‌ای ندارم. من اثنی‌عشریه به تحقیق شده نه به تقلید، من قرآن را کتاب دینم و پیامبرم و ائمه‌ی اطهار را، یک به یک تا قائم آل محمد صلوات الله تعالی علیهم اجمعین پذیرفتم نه به تقلید خواه مردم بپذیرند و خواه نپذیرند.^[71]

ماه رخصانی با نان و پیاز

مرحوم استاد فاضل تونی در دوران تحصیلی در امر معاش سختی بسیار کشیده و چشیده است.

وی می فرمود: سالی در مشهد که مشغول تحصیل بودم، در ماه مبارک رمضان آن سال فقط سه تا سحر را با نان و پیاز، ولی صفای باطن و لذت روحی و معنوی را در همان سال یافته‌ام.^[72]

- [1] رساله‌ی امامت، ص 205.
- [2] رساله‌ی امامت، ص 214.
- [3] رساله‌ی امامت، ص 206.
- [4] رساله‌ی امامت، ص 206.
- [5] مجموعه‌ی مقالات، ص 158.
- [6] هزار و یک کلمه، ج 2، ص 354.
- [7] هزار و یک کلمه، ج 2، ص 356.
- [8] شرح نهج البلاغه، 291: 15.
- [9] عیون اخبار الرضا، 197: 2، بحارالانوار، 90: 49 ح 4.
- [10] بحارالانوار، 94: 49.
- [11] عیون اخبار الرضا، 197: 2، ح 6.
- [12] عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 136.
- [13] عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 184.
- [14] مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 360.
- [15] من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 369-371، ج نجف.
- [16] لقاء الله، ص 55 و 56.
- [17] انعام / 38.
- [18] «امروز (روز عید غدیرخیم) دین شما را به کمال رسانیدم و بر شما نعمت تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برای شما برگزیدم.» مائده / 3.
- [19] بقره / 124.
- [20] انبیاء / 72 و 73.
- [21] آل عمران / 68.
- [22] «و آنان که به مقام علم و ایمان رسیده‌اند به آن فرقه‌ی بدکار گویند: شما تا قیامت که هم امروز است، در عالم علم خدا مهلت یافتید.» روم / 56.
- [23] امامت، ص 122-126.

- [24] بگو (ای پیامبر): خدای من هرگونه عمل زشت را، چه در آشکار و چه در خفا، و گناه و ظلم به ناحق و شرک به خدا را حرام فرموده است؛ اعراف، 33.
- [25] «(ای پیامبر!) تو را حکم شراب و قمار پرسند، بگو: در این دو، گناهی بزرگ است و سودهایی برای مردم، ولی گناه آن بیشتر است»؛ بقره / 219.
- [26] امامت، ص 100 و 101.
- [27] رساله حول الرؤیه، ص 16.
- [28] رساله حول الرؤیه، ص 24.
- [29] سوره نجم، آیه 13.
- [30] رساله حول الرؤیه، ص 59.
- [31] سوره طه، آیه 110.
- [32] رساله حول الرؤیه، ص 59.
- [33] رساله حول الرؤیه، ص 59.
- [34] دیدگان او را درک نمی‌کنند، ولی او دیدگان را درک می‌کند.
- [35] رساله حول الرؤیه، ص 101.
- [36] آل عمران / 39.
- [37] نامه‌ها و برنامه‌ها، ص 269 و 270.
- [38] لقاء الله، ص 165.
- [39] هزار و یک کلمه، ج 3، ص 238.
- [40] بقره / 17.
- [41] عیون مسائل نفس و شرح آن، ج 2، ص 72.
- [42] عیون مسائل نفس و شرح آن، ج 1، ص 82.
- [43] سوره طه، آیه 114.
- [44] سوره انبیاء، آیه 2.
- [45] سوره اسری، آیه 1.
- [46] سوره اعراف، آیه 180.
- [47] حول الرویه، ص 62.
- [48] نامه‌ها و برنامه‌ها، ص 113.
- [49] رساله‌ی امامت، ص 213.

- [50] در آسمان معرفت، ص 382.
- [51] معرفت نفس دفتر سوم، ص 492.
- [52] در محضر استاد حسن‌زاده آملی، ص 63.
- [53] عیون مسائل نفس و شرح آن، ج 2، ص 335 و 336.
- [54] مکارم الاخلاق، 270.
- [55] بحارالانوار، ج 84، ص 246.
- [56] خصال صدوق، ج 1، ص 103.
- [57] مستدرک الوسائل، ج 1، ص 175.
- [58] من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 84.
- [59] بحارالانوار، ج 82، ص 20.
- [60] بحارالانوار، ج 83، ص 20.
- [61] بحارالانوار، ج 83، ص 20.
- [62] وسایل الشیعه، ج 5، ص 372.
- [63] من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 412.
- [64] مستدرک الوسائل، ج 3، ص 385.
- [65] هزار و یک کلمه، ج 3، ص 419.
- [66] هزار و یک کلمه، ج 1، ص 342 و 343.
- [67] هزار و یک نکته، ص 615، نکته 766.
- [68] جمال سالکین، ص 181.
- [69] حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی، ص 31.
- [70] در محضر استاد، ص 91. (به نقل از آقای محسن غروی‌ان).
- [71] نشریه‌ی کیهان فرهنگی، ش 5، ص 12؛ و نیز بنگرید به هزار و یک کلمه، ج 2، ص 72.
- [72] هزار و یک نکته، ج 3، ص 32؛ و نیز بنگرید به در آسمان معرفت، ص 359.

فهرست مطالب

2	مقدمه
4	فضایل حضرت امام رضا
4	مدیحه‌ای در شأن امام
6	ازدواج حضرت رضا با ام‌الفضل
6	دریانی امام رضا
7	ستایش امامی از امام دیگر
8	کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند
9	خوشه انگور زهرآگین
10	نرم گشتن بندهای آهن
11	اخلاق امام
12	احترام به مردم
13	عبادت امام رضا
13	نماز شب امام
13	عبادت امام در زندان
14	طلب بهشت
14	دعا در تعقیب نمازهای واجب
15	دعا در سجده شکر
16	دعا برای تمامی بیماری‌ها
17	کرامات وضوی امام
18	روزه‌ی امام
18	ختم قرآن

19	احتجاجات حضرت امام رضا
19	حکمت احکام الهی
22	نور آسمان و زمین
23	اکمال دین در لحظه وفات رسول
28	فتوای تحریم خمر در قرآن
30	قیاس احادیث با قرآن
31	صاحبان چهره‌های نورانی
32	عدم رؤیت خدا
34	اوهام قلوب بزرگ‌تر از دیدگان چشم است
35	بر غریبی حسین و درد او گریه کنید
37	به غم ما غمین باش، در شادی ما شاد
38	حجاب خدا
39	وصف خدا با خود خدا
40	خلق آدم علی صورته
41	عبادت چیست
41	احتجاج در باب خداوند
49	سخنان گرانقدر امام رضا
49	عصمت حضرت زهرا
50	حال خردمندان
50	علت استواری آسمان و زمین
51	حیات ویژه شهدا
53	رؤیای صادق
55	دعا، سلاح پیامبران
55	بخشیده شده از رحمت

56	بهترین شیوه‌ی زندگی
56	بعد از معرفت خدا
57	حکمت حمد و سوره
58	مانع وقت نماز
58	تأخیر نماز عمدا
59	غافل از اوقات نماز
60	فلسفه‌ی نماز جماعت
60	رضوان خدا
61	تمیز کردن مسجد
62	عشق و علاقه‌ی علامه حسن زاده‌ی آملی به امام رضا
63	دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
65	زهی مراتب خوابی که به ز بیداری است
67	خدمت به امام هشتم
68	ما چه کم داریم
69	دوباره دیندار شدم
70	ماه رخصانی با نان و پیاز
74	فهرست مطالب